



تقریر درس خارج فقه الزکاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۳۷	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۰ / ۲۸
عنوان ۱	فقه الزکاة الخاص					
عنوان ۲	زکات الأموال					
عنوان ۳	شرایط وجوب زکات الأموال					
عنوان ۴	مسأله شانزدهم: بررسی وجوب یا عدم وجوب زکات بر کافر					
عنوان ۵	❖ لزوم بازنگری در کیفیت أخذ زکات ❖ نقش خمس و زکات در اداره کشور و شرط آن ❖ راهکار فقرزدایی در نظام پولی اسلامی ❖ لزوم عقلانی کردن نظام اقتصادی دنیا و مراد از آن ❖ راهکار عملی مقابله با آثار شوم سلطه دلار ❖ تشریح نقدین در زکات و تبیین یک انحراف ❖ لزوم سازماندهی پول بر طبق شرع					
عنوان ۶	فرع چهارم و فروض آن					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

در این مباحث، ابتدا به تکلیف کفار به فروع و وجوب زکات بر آنان پرداخته شد و با وجود عدم صحت عبادات آنان، اثبات گردید که امام علیه السلام می تواند زکات را قهراً از آنان دریافت دارد. سپس با رویکرد «فقه نظام» بر لزوم تغییر رویه های سنتی در اخذ زکات و تأثیر آن در اداره کشور تأکید شد و نقدی بر نظام پولی اعتباری و سلطه دلار مطرح گردید. راهکار پیشنهادی، بازگشت به پول با پشتوانه طلا و نقره برای تحقق اهداف زکات و ریشه کن کردن فقر بیان شد. در ادامه، فرع چهارم درباره اتلاف مال زکات توسط کافر مطرح و با تبیین تفاوت شرط وجوب و شرط واجب، ضمان کافر در صورت اتلاف احراز گردید و اشکالات وارد شده در این باره پاسخ داده شد.

درآمد بحث

بحث ما در مسأله شانزدهم مرحوم صاحب عروه بود که در ادامه مباحث مربوط به شروط وجوب زکات مطرح کرده‌اند. مسأله شانزدهم این بود:

«الکافر تجب علیه الزكاة، لکن لا تصح منه إذا أداها، نعم للإمام عليه السلام أو نائبه أخذها منه قهراً، ولو كان قد أتلّفها فله أخذ عوضها منه»^۱.

گفتیم در این مسأله چهار فرع وجود دارد که سه فرع از این فروع اربعه را ما بحث کردیم:

❖ **فرع اول:** اصل اینکه آیا کفار مکلفین به فروع هستند یا نه؟ گفتیم کفار مکلف به فروع هستند. استدلالش را هم بیان کردیم. برخلاف نظر استاد خوئی که ایشان به تکلیف کفار به فروع قائل نیستند. ادله را اقامه کردیم و بحث تمام شد.

❖ **فرع دوم:** را هم بحث کردیم که علی‌رغم اینکه زکات بر کافر واجب است مثل نماز، لکن اگر انجام داد زکاتش صحیح نیست. گفتیم این منافات با وجوب هم ندارد و این وجوب مقدور است؛ برخلاف بعضی از فقها که گفتند وجوب زکات برایش مقدور نیست؛ چون اگر زکات را انجام بدهد زکات باطله را انجام می‌دهد. ما گفتیم بلکه این وجوب زکات مقدور است. این زکات یک واجبی است که مشروط به اسلام و ایمان است و این واجب، مشروط است و نه وجوب؛ بنابراین مثل سایر شرط‌های واجب که اگر شرط واجب بود، مکلف باید آن را تحصیل کند. گفتیم فرق بین شرط وجوب و شرط واجب همین است که شرط وجوب لا یجب تحصیله علی المکلف مثل استطاعت که شرط وجوب است نسبت به حج: «وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۲ استطاعت شرط الوجوب است، اگر استطاعت بود حج واجب است و الا واجب نیست. استطاعت چون شرط وجوب است لذا تحصیل استطاعت هم واجب نیست؛ اما اگر شرطی شرط واجب بود مثل طهارت که شرط صلاة است، تحصیلش واجب است. وجوبش مشروط به طهارت نیست. اینجا هم (در بحث وجوب زکات) اسلام و ایمان، شرط واجب است. شرط مقدور هم هست. می‌تواند ایمان بیاورد. به هر حال این بحث را هم به پایان رساندیم.

❖ **فرع سوم:** این بود که به رغم اینکه زکات بر کافر واجب است ولی صحیح نیست، در عین حال امام می‌تواند قهراً از او زکات را بگیرد. اگر زکات را داد، فيها و الا امام باید کافر را مجبور به پرداخت زکات کند. در اینجا هم بحث‌هایی شد که امثال مرحوم آقای خوئی قائل به این مطلب نبودند؛ چون اساساً قائل به وجوب زکات بر کفار نبودند. خلاصه این فرع هم به پایان رسید. استدلال کردیم و اثبات شد که امام یا نائب امام می‌تواند بلکه باید زکات را بالاجبار و با قهر از کافر دریافت کند. «خُذْ» در «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ...»^۳ امر است. لذا بر امام واجب است که زکات را از مردم بگیرد.

۱. العروة الوثقی؛ ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. سورة آل عمران: ۹۷.

۳. سورة توبه: ۱۰۳.

لزوم بازنگری در کیفیت أخذ زکات

پرسشگر: ...

استاد: به هر حال چه بسا بگوییم که کمیته امداد دارد زکات را می‌گیرد. ما که می‌گوییم «فقه نظام» ثمراتش در همین جاها معلوم می‌شود. وقتی با عینک فقه نظام به مسأله نگاه کنید این مربوط به نظام و حکومت است؛ لذا باید زکات را از مردم بگیرد. اینکه زکات امر داوطلبانه‌ای باشد مربوط به دوران قبل از انقلاب است. هنوز از نظر عملی در این دوران به استثنای بخشی از نظام سیاسی ما، نسبت به خیلی از بخش‌ها هنوز همان حالت پیش از انقلاب را کماکان ادامه می‌دهیم که خوب به نظر ما باید این رویه عوض شود. ما باید فقه نظام را پیاده کنیم نه فقه خرد را.

نقش خمس و زکات در اداره کشور و شرط آن

اواخر این مبحث، یکی از بخش‌های مهم بحث ما در بحث زکات همین است که اصلاً زکات و همچنین خمس در حقیقت دو طریق اخذ مالیات از مردم است منتها مالیات شرعی. اگر گفته شود که زکات را اگر بخواهیم بگیریم کفاف اداره کشور را نمی‌کند، دلیلش این است که پول رایج باید طلا و نقره بشود. یکی از ادله اینکه می‌گوییم باید پولی که در بازار رایج است طلا و نقره باشد همین است که یکی از لوازم اعتباری بودن پول - ضمن اینکه بعضی از فقها می‌گویند که خمس و زکات به این پول اعتباری تعلق نمی‌گیرد چون نه طلاست و نه نقره - این است که زکات تعطیل یا بی‌اثر می‌شود. زکاتی که در روایات آمده و چقدر تأکید شده که اگر زکات داده بشود هیچ فقیری و هیچ گرسنه‌ای در جامعه نمی‌ماند. اصلاً راه ریشه‌کن کردن فقر همین است و جز این نیست.

راهکار فقرزدایی در نظام پولی اسلامی

شما وقتی می‌توانید زکات را منشأ ریشه‌کن سازی فقر کنید که زکات بر نقدین واجب بشود. نقدین باید پول مردم بشود. یعنی مردم همه معاملاتشان را باید با نقدین انجام بدهند. خیلی هم عملی است. حالا این اقتصاددان‌هایی - که به هر حال آمریکا درس خوانده‌اند - می‌گویند همین است و جز این نیست که راه حل فقط نظام سرمایه‌داری است.

پرسشگر: ...

استاد: اصلاً ما بحثمان این است که این کار عقلایی نیست. آمریکا سلطه انداخته و چنگ انداخته روی اقتصاد دنیا درحالی‌که عقلای دنیا با این روند مخالفند. عقلای دنیا به تنگ آمده‌اند از این سلطه دلار و سلطه آمریکا بر تجارت جهانی. سلطه آمریکا بر تجارت جهانی از طریق دلار و حال که دلار پول اعتباری محض است و همین‌طور اسکناس چاپ می‌کند و هیچ پشتوانه‌ای هم ندارد.

لزوم عقلانی کردن نظام اقتصادی دنیا و مراد از آن

این را ما عقلانی نمی‌دانیم. وقتی می‌گوییم عقلاء، یعنی عقلاً بما هم عقلاء تجویز کنند، نه عقلاء بما هم مجبورون؛ نه عقلاء بما هم محکومون؛ نه عقلاء بما هم مسیطرون علیهم. اینها که عقلاء نیستند. و الا اگر اینجوری باشد همه جرائم و جنایات‌ها عقلانی می‌شوند. کار یزید و معاویه هم می‌شود عقلانی. ۳۰ هزار نفری که امام حسین علیه السلام را کشتند که این ۳۰ هزار نفر، نماینده اکثریت جامعه مسلمان آن وقت بودند. اینها عقلاء بودند؟ عقلاء که می‌گوییم عقلانی است که اگر خودشان را با وجدانشان خالی بگذاریم، وجدانشان حکم می‌کند که کار درست چیست. همه وجدان‌های عقلاء

می‌گویند کاری که معاویه کرد غلط بود؛ کاری که یزید کرد غلط بود؛ کثرت آدم‌ها در یک کار، الزاماً به معنای کار عقلانی آنها نیست. مگر حضرت امیر علیه السلام نفرمود که اگر همه عرب بر علیه من متحد بشوند من پشت نمی‌کنم. در عین حال به این معنا نیست که همه عربها غیرعقلاء باشند، خیر عاقلند. منتها عقلاء تعریف خاص خودش را دارد. دقت کنید و التفات بفرمایید متأسفانه تفکر حوزوی ما امروز خیلی تحت تأثیر بسیاری از فضاها، حاکم بر جهان یا کشور یا موج‌های روشن فکری قرار گرفته است. عقلاء که می‌گوییم عقلای بما هم عقلاء است که تحت تأثیر عوامل غیر عقلانی و غیر عقلی قرار نگیرد.

راهکار عملی مقابله با آثار شوم سلطه دلار

پرسشگر: ...

استاد: بارها گفتیم. همین کمترین اسکناس را مثلاً یک نقطه، یک دایره یا یک نخ نقره در آن بگذارید. این اسکناس به اندازه قیمتی که الآن دارد، در بازار عرضه شود. چقدر ارزش دارد؟ به همان میزان. امارات الآن اسکناس هزار درهمی چاپ کرده که طلا در آن به کار برده‌اند. کاغذش هم به آن معنا کاغذ نیست؛ نایلون کشیده‌اند. خیلی عالی می‌شود. این اسکناس به اندازه قیمت حقیقی این کاغذی که در آن طلا یا نقره به کار رفته قیمت دارد. قیمت بازاری و قیمت حقیقی دارد. به اندازه همین قیمت در بازار عرضه می‌کنیم. با این کار اصلاً حکومت دلار کلاً منتفی خواهد شد. این تذبذب و این نوسانی که در قیمت دلار و بالتبع در ریال به وجود آمده ناشی از چیست؟ ناشی از این است که این دلار یا پول کلانی که ما داریم که باز این پول ما پشتوانه‌اش خود دلار است یک پول سیاسی است و یک پول اقتصادی نیست. یعنی پشتوانه‌اش یک قدرت سیاسی مستکبر ظالم جبار خونخواری است که گاهی ما مثال می‌زنیم. مثل این است که یک راهزنی در دره‌ای سر راه مردم را بگیرد. بگوید من این کاغذ را به شما می‌دهم در عوض سکه طلای شما. می‌گوید چون من قدرت دارم این کاغذ را من اعتبار کردم که ارزشش فلان باشد. آنچه امروز در بازار جهانی دارد اتفاق می‌افتد دقیقاً همین است که ما هر چه می‌گوییم اثری ندارد.

تشریح نقدین در زکات و تبیین یک انحراف

پرسشگر: ...

استاد: ما که نکردیم، خدا چنین تعیین کرده است. خدا می‌گوید که یکی از خصال تسعة زکات، نقدین است؛ ما که تعیین نکردیم. فتوای فقها نقدین (طلا و نقره) است.

پرسشگر: ...

استاد: ما چرا با روایت بازی کنیم؟ چرا ما کمر روایت را خم کنیم و آن را با آنچه داریم منطبق کنیم؟ بلکه بالعکس، باید آنچه داریم را با آیه و روایت منطبق کنیم. اصلاً این مسأله کاغذ بودن و این مسأله اعتباری بودن پول و نداشتن ارزش حقیقی را خود اقتصاددانان عاقل دنیا می‌گویند این کار غلطی است. از قبل اینجور نبوده است. در قرن قبلی حدود سال ۱۹۳۰ بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا تصمیم گرفت که بر جهان سلطه پیدا کند. دید که بهترین راه برای اینکه بر اقتصاد جهانی سلطه پیدا کند این است که بیاید پول چاپ کند. پول با پشتوانه هم اگر حقیقتاً پشتوانه داشته باشد به این معنا است که این کاغذ یک رسید طلا می‌شود؛ یعنی در حقیقت وقتی شما دلار تحویل می‌گیرید در واقع فلان مقدار طلا

تحويل گرفته اید. این اسکناس، حواله بر طلاست در حقیقت. و اصلاً قرار بر همین بوده که این گونه تعامل بشود. اگر قرار بر این هم باشد باز دولت ها پول بدون پشتوانه چاپ می کنند.

لزوم سازماندهی پول بر طبق شرع

برای اینکه اصلاً از این محاذیر خلاص شویم چه اشکالی دارد که ما یک چیزی که در شرع آمده را طبق آن، پولمان را سازمان دهی کنیم؟ اشکالش کجاست؟ فقط و فقط اشکالش در این است که این کار چنگ آمریکا را از اقتصاد جهانی می بُرد و قطع می کند و هیچ اشکال دیگری ندارد. ما حرفمان این است.

خلاصه اگر زکات، خود نقدین می شد همین زکات مالیات می شد. اگر شما زکات و خمس را می گرفتید و اگر بر فرض این زکات کم آمد، زکات را شما بیا بید توسعه بدهید. مثل کاری که امیرالمومنین علیه السلام انجام دادند. اگر این زکات در نقدین کم آمد شما در میوه هم زکات قرار بدهید. همانطور که امیرالمومنین از خیل اِناث در شرایط جنگی زکات گرفتند. یعنی یک چیزی که جزو خصال تسعه نبود آن را جزو مال زکوی قرار دادند. روش اسلام این است.

روش اسلام این است که اگر دولت می خواهد مالیات بگیرد، مردم با قصد قربت مالیات بدهند؛ به عنوان زکات الهی به طوع و رغبت پرداخت کنند. والله بالله این اثر اقتصادی دارد. قرآن می فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»^۱ با زکات دادن مال رشد پیدا می کند، اقتصاد اجتماعی بهبود پیدا می کند. چرا حرف و وعده الهی را باور نداریم؟ شما زکات بگیرید مال مردم رشد پیدا می کند و اقتصادتان قوی می شود.

اگر مردم واقعاً متدین باشند، باید هم زکات بدهند هم خمس بدهند و هم مالیات. کسی که فاسق باشد، مالیات را به زور می دهد، اهل خمس و زکات که نیست. ما نمی توانیم از قوانین شرعی چشم پوشی کنیم. ما دلیل قوی داریم و معتقدیم این راه حل قطعی است. لذا هم نظام مالیاتی اسلامی باید پیاده بشود و هم نظام پولی اسلامی باید پیاده شود.

پرسشگر: ...

استاد: ما که نزد اهل رسانه رفتیم. همین چند هفته پیش رئیس رسانه پیش ما بود. گفتیم اجازه بدهید این مباحث مطرح شود، به ما مجال و فرصت بدهید. طلبه هایی که در مؤسسه ما درس خوانده اند در این مباحث خیلی قوی هستند و حرف دارند برای گفتن. با اینکه آقای جبلی فرد متدینی است و از دوستان قدیمی ماست. چرا به ما اجازه نمی دهند برای اساتید و دانشجویها صحبت کنیم؟ مسأله جدی است. نه اینکه ما نخواهیم، آنها نمی خواهند.

پرسشگر: ...

استاد: این زکاتی که اینها می گیرند یک درصد هزینه کمیتة امداد را هم پوشش نمی دهد. چقدر می شود؟ ۱۰۰۰ میلیارد؟ هزار میلیارد در برابر هزینه هایی که دولت بخواهد پوشش خدماتی بدهد هیچ است.

شما مرسله حماد را بخوانید^۲ تا ببینید که این زکات و خمس را باید چه کار کرد و در چه راهی هزینه کرد. هزینه خدمات اجتماعی، هزینه اداره دولت و همه اینها را باید از محل خمس و زکات تأمین کرد. گفتیم اینقدر نظام مالی اسلام

۱. سورة روم: ۳۹.

۲. ر. ک: وسائل الشیعة؛ کتاب الخمس، ابواب قسمة الخمس، ب ۱، ح ۸.

دقیق است که برای نوع خدمات و نوع هزینه‌ها منابع معین تعیین شده است. منبع خمس برای تأمین هزینه‌های دولت و لشکر تعیین شده است. منبع زکات برای تأمین هزینه خدمات مردمی است. پول از جیب مردم گرفته می‌شود و به خود مردم داده می‌شود. خمس پول از جیب مردم نیست. خمس از جیب مردم در نمی‌آید. حالا در محل خودش توضیح خواهیم داد.

فرع چهارم و فروض آن

فرع چهارم در این است که اگر مال زکوی را کافر اتلاف کند. حاکم و امام می‌تواند مثل یا قیمت آن را از او بگیرد. کافر ضامن است. چرا که توای کافر، مال ما را یا مال فقرا را یا هرچه باشد، آن مالی که اختیارش در دست حاکم بوده این را اتلاف کردی، مال دیگران را اتلاف کردی، مال حاکم بوده یا مال فقرا بوده، مال مستحقین بوده، چون اتلاف کردی، ضامن هستی.

اینجا دو فرض ما داریم:

❖ **فرض اول:** اینکه زکات خودش تلف بشود، خارج از اراده کافر تلف شود. اتلاف نیست، تلف است. بنابراین نظری که اکثر فقها بر این نظر هستند که زکات متعلق به عین خارجی است خب اگر زکات متعلق به عین خارجی باشد و تلف شد دیگر چیزی نیست که از او عوضش را بگیرند. موضوع زکات از بین رفته است. سالبه به انتفاء موضوع است. حاکم دیگر نمی‌تواند چیزی از کافر بگیرد. این حرف در مورد مسلم هم می‌آید بنا بر این مبنا. ولی بر مبنای ما این را ما بعداً متعرض خواهیم شد و استدلال خواهیم کرد که معتقدیم که زکات از عین باید داده بشود اما به ذمه تعلق می‌گیرد. اگر زکات به ذمه تعلق بگیرد اگر تلف هم بشود به هر حال ذمه کافر مشغول به زکات است. از پول دیگری باید پرداخت کند. تفاوت بین این دو مبنا اینجا معلوم می‌شود.

❖ **فرض دوم:** اتلاف است. در اتلاف ما قاعده ضمان داریم. «إن أُلِف مال الغیر فهو له ضامن» این مال غیر است و آن را تلف کرده، لذا ضامن است. بنابر مبنای ما که حالا بعداً خواهیم گفت که زکات به ذمه تعلق می‌گیرد؛ چه تلف شود و چه اتلاف بشود، فرقی نمی‌کند به هر حال زکات به ذمه کافر مستقر است. اما اگر زکات به عین تعلق بگیرد، گفتیم بر فرض تلف، اینجا دیگر چیزی نیست که بخواد زکاتش را از او بگیرد. اما اگر اتلاف کرد ضامن است. فرمایشی که مرحوم سید فرمود: «ولو كان قد أُلِفها فله أخذ عوضها منه» بر این مبناست که اتلاف کرده و بر اساس قاعده اتلاف که دلیل هم دارد این شخص، ضامن این مالی است که اتلاف کرده است.

طرح اشکال

اینجا یک اشکالی وجود دارد که برخی اشکال کرده‌اند. اینکه شما چطور می‌گویید کافر ضامن است حتی اگر اتلاف کرده باشد؟ چون اتلاف در جایی موجب ضمان می‌شود که تمکن از ادا باشد. تمکن از ادا اگر باشد اینجا ضامن است. اما اگر اتلاف کرده باشد اما تمکن از ادا هم نداشته باشد یعنی اصلاً چیزی که از اول تمکن از ادا نداشته است را اتلاف کرده است. یعنی مثلاً مالی بوده که مال غیر بوده و اتلافش کرده اما چون تمکن از ادا ندارد اینجا معنا ندارد که بگوییم

ضامن است. اینجا تمکن از ادا نیست؟ چرا که این کافر اگر هم زکاتش را می داد از او صحیح نبود؛ تمکن از ادا نیست چون ادایش صحیح نیست. اگر هم بدهد زکات از او قبول نیست؛ بنابراین چون تمکن از ادا ندارد اینجا قائل به ضمان اتلاف هم نباید شد و در اینجا قاعده ضمان منطبق نمی شود.

بحث ما در جایی است که این اتلاف بعد از تعلق زکات به مال اتفاق می افتد. بعضی گفته اند هر چند اینجا اتلاف است اما تمکن از ادا نیست لذا ضمانتی هم در کار نخواهد بود.

پاسخ اشکال

ما قبلاً گفتیم که کافر مکلف به زکات و فروع است. آنجا بعضی گفتند که چون زکات مقدورش نیست نمی تواند زکات را بپردازد؛ چون اگر قبل از اسلام بپردازد که از او قبول نمی شود. بعد از اسلام هم اصلاً واجب نیست؛ چون بخشیده شده است: «الإسلام یجب ما قبله». پس نه بعد از اسلام و نه قبل از اسلام زکاتی ندارد.

این اشکال را قبلاً گفتیم جوابش را هم دادیم. گفتیم هم قبل و هم بعد از اسلام هیچ اشکالی در تعلق وجوب زکات به کافر وجود ندارد. اما قبل از اسلام گفتیم چون اسلام شرط واجب است و نه شرط وجوب. کافر می تواند مسلمان بشود و زکاتش را بدهد، این کار را نکرد، و مال زکوی را اتلاف کرد، خب اینجا ضامن است. بعد از اسلام هم اشکالی در تعلق وجوب ندارد؛ چون وجوب به او تعلق گرفته اما امتناناً از او ساقط می شود؛ مثل حرجی بودن واجب؛ مثل ضرری بودن یک واجب. شما در وجوب ضرری چه می گوید؟ می گوید امتناناً ساقط است نه اینکه اصلاً واجب نیست. وجوب هست منتها وجوب را ضرر به عنوان ثانوی برطرف می کند. یا به عنوان حرج می گوید امتناناً از عهده او برداشته می شود. اینجا هم اینطوری است. گفته می شود ای کافر اگر مسلمان شدی اینجا ما تخفیفاً تشویقاً و امتناناً از تو این فریضه زکات مالت را که قبلاً به تو تعلق گرفته است برمی داریم؛ نه اینکه اینجا وجوب اصلاً نشود به او تعلق بگیرد؛ بلکه امتناناً برداشته می شود. بنابراین در تعلق وجوب زکات به این کافر هیچ اشکالی وجود ندارد. حالا اگر این مال زکاتی را اتلاف کرده است ضامن است. لذا فرمایش مرحوم صاحب عروه درست است؛ یعنی این حرف دقیقی است که فرمود: «ولو کان قد أتلّفها فله أخذ عوضها منه» [آی و لو کان الکافر أتلّف العین فلإمام أو نائبه أخذ عوضها منه].

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين